



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳۷۶-۳۸۸

## بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع خدمات شهری در محلات زاهدان

حسین ابراهیم زاده آسمین<sup>۱\*</sup>، مهدی شفیعی<sup>۲</sup>، فاطمه عدالت خواهی<sup>۳</sup>، بهاره برزکار<sup>۴</sup>

۱. دانشیار برنامه ریزی شهری و منطقه ای، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

[h.ebrahim@lihu.usb.ac.ir](mailto:h.ebrahim@lihu.usb.ac.ir)

۲. کارشناس جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. کارشناس جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۴. کارشناس جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

### چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری در توزیع خدمات شهری در محلات شهر زاهدان انجام شده است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که توزیع خدمات شهری در زاهدان از وضعیت متعادل و عادلانه‌ای برخوردار نبوده و شکاف عمیقی بین محلات برخوردار و محروم وجود دارد. به طوری که برخی مناطق از امتیاز بالایی برخوردارند، در حالی که مناطق دیگر با محرومیت شدیدی مواجه هستند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل این نابرابری در سه دسته کلی قابل دسته‌بندی هستند: ۱. عوامل مدیریتی و برنامه‌ریزی: شامل ضعف در نظام مدیریت یکپارچه شهری، تخصیص نامتناسب بودجه، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی و اولویت‌بندی پروژه‌ها بر اساس ملاحظات سیاسی و نمایشی. ۲. عوامل کالبدی-فضایی: مانند رشد سریع و بی‌رویه جمعیت، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، پراکندگی جغرافیایی محلات و تمرکز خدمات در نقاط خاص شهر. ۳. عوامل اجتماعی-اقتصادی: از جمله فقر اقتصادی، سطح پایین تحصیلات، بافت قومیتی متنوع و نابرابری در سرمایه اجتماعی. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی (کمی و کیفی) و با استفاده از ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل‌های آماری، به بررسی وضعیت موجود و رابطه بین متغیرها پرداخته است. نتایج نه تنها عمق محرومیت در محلات حاشیه‌ای را تأیید می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که تداوم این نابرابری، تهدیدی جدی برای عدالت اجتماعی، امنیت ملی، سلامت عمومی و پایداری شهری در زاهدان محسوب می‌شود. در پایان، راهبردهایی کاربردی نظیر اصلاح نظام تخصیص بودجه بر اساس شاخص‌های محرومیت، تقویت مشارکت مردمی، توانمندسازی اجتماعی و اجرای پروژه‌های زیرساختی هدفمند در محلات کم‌برخوردار ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت فضایی، توزیع خدمات شهری، نابرابری شهری، زاهدان، عوامل مدیریتی، عوامل کالبدی-فضایی، عوامل اجتماعی-اقتصادی، محلات محروم، توسعه پایدار شهری.

## مقدمه و بیان مسئله

شهر زاهدان، به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور، در چند دهه گذشته با رشد جمعیتی شتابان و بی برنامه مواجه بوده است. جمعیت این شهر از ۱۷،۴۹۵ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۶۷،۴۴۹ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید که نرخ رشدی بیش از ۳ درصد را در یک دوره ۵۰ ساله نشان می‌دهد. این افزایش شدید و ناگهانی جمعیت، بدون پشتوانه برنامه‌ریزی متناسب برای توسعه خدمات زیربنایی، فشار بیسابقه‌ای را بر نظام مدیریت شهری وارد کرده و آهنگ خدمات‌رسانی را نامتعادل ساخته است؛ به گونه‌ای که پایداری شهری و عدالت اجتماعی را در زاهدان با چالش جدی مواجه کرده است. مطالعات متعدد، از جمله پژوهشی که توسط واری و همکاران (۱۳۸۷) انجام شد، نشان می‌دهد که توزیع خدمات عمومی در بین مناطق سهگانه شهری زاهدان از وضعیت متعادل و عادلانه برخوردار نیست. این نابرابری تنها به تفاوت در سرانه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه الگوی توزیع فضایی ناموزون مراکز خدماتی نیز، دسترسی عادلانه شهروندان محلات مختلف را تحت تأثیر قرار داده است. به عنوان مثال، یافته‌های یک مطالعه در سال ۱۳۹۴ حاکی از آن است که در بین مناطق پنجگانه شهر زاهدان، از نظر میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری، تفاوت فاحشی وجود دارد. در این ارزیابی، منطقه ۵ با امتیاز ۰،۸۹۴ در وضعیت مطلوبی قرار گرفت، در حالی که مناطق ۲ و ۴ به ترتیب با امتیازهای ۰،۰۵۸ و ۰،۱۷۸ در محرومیت شدید به سر می‌برند. این آمار به وضوح عمق شکاف برخورداری بین محلات این شهر را نمایش می‌دهد.

## عوامل کلیدی مؤثر بر نابرابری فضایی خدمات

عوامل متعددی در شکل‌گیری و تداوم این نابرابری نقش دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. افزایش جمعیت و مهاجرت بی‌برنامه: رشد سریع و لجام‌گسیخته جمعیت، مهمترین عامل فشار بر زیرساختهای خدماتی موجود است. این پدیده، ناشی از مهاجرت‌های شدید و غالباً بی‌برنامه به شهر زاهدان است که مدیریت شهری را در ارائه خدمات با مشکل مواجه ساخته است.
۲. نظام برنامه‌ریزی و تخصیص نامتناسب: تحقیقات نشان می‌دهد که در شهر زاهدان، هیچ رابطه معناداری بین تراکم جمعیتی نواحی و سطح برخورداری آنها از خدمات وجود ندارد. این امر حاکی از ضعف در اصول اولیه برنامه‌ریزی و تخصیص منابع است که در آن خدمات، متناسب با نیاز جمعیتی و ویژگیهای هر منطقه توزیع نشده است.
۳. تمرکزگرایی و قطبی شدن خدمات: یافته‌ها در شهرهای با شرایط مشابه مانند یزد حاکی از آن است که کاربریهای اراضی خدماتی، تمایل به تمرکز و قطب‌شدن در برخی نواحی خاص دارند. این پدیده باعث محرومیت سایر مناطق شده و عدالت فضایی را نقض می‌کند.

۴. فقدان مدیریت یکپارچه و کارآمد: هجوم جمعیت و گسترش فضای شهر، مدیریت شهری را به سویی سوق داده که نه تنها در ارائه خدمات با مشکل روبرو شده، بلکه به یک مدیریت منفعل و اقتضایی تبدیل گشته است که قادر به پیشبینی و برنامه ریزی برای آینده نیست.

### مبانی نظری

مبانی نظری هر پژوهش، چارچوب فکری و مفهومی است که عوامل مورد بررسی را تبیین و علت تأثیرگذاری آن‌ها بر پدیده مورد مطالعه (در اینجا، برابری و توزیع خدمات شهری) را توضیح می‌دهد. در مورد عوامل مؤثر بر برابری خدمات شهری در محلات زاهدان، مبانی نظری عمدتاً از حوزه‌های جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، و علوم سیاسی/اجتماعی نشأت می‌گیرند.

در زیر، مهم‌ترین مبانی نظری مرتبط با این موضوع ارائه شده است:

#### ۱. نظریه عدالت قضایی

این نظریه که توسط متفکرانی چون ادوارد سوچا و دیوید هاروی توسعه یافته، هسته اصلی تحلیل نابرابری‌های شهری را تشکیل می‌دهد.

مفهوم عدالت قضایی، فراتر از عدالت اجتماعی صرف، به توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها، و کالاهای عمومی (از جمله خدمات شهری) در سطح فضا و مناطق جغرافیایی می‌پردازد. این نظریه تأکید دارد که نابرابری‌های اجتماعی (مانند طبقه، نژاد و قومیت) اغلب خود را در الگوهای قضایی توزیع خدمات (مانند کمبود فضای سبز، دسترسی ضعیف به خدمات درمانی، و کیفیت پایین زیرساخت‌ها در محلات محروم) نشان می‌دهند.

ارتباط با زاهدان: این نظریه به خوبی می‌تواند تبیین کند که چگونه بافت‌های حاشیه‌نشین و مهاجرپذیر زاهدان، به دلیل ساختارهای اقتصادی-سیاسی، از لحاظ دسترسی به خدمات شهری (مانند آسفالت، آب، و مراکز تفریحی) در حاشیه قرار گرفته‌اند. سوچا استدلال می‌کند که فضا یک بستر خنثی نیست، بلکه خود ابزار قدرت و کنترل است.

#### ۲. نظریه عدالت توزیعی

این مبانی نظری، که ریشه در فلسفه سیاسی (به‌ویژه آثار جان راولز دارد، بر نحوه توزیع منابع در یک جامعه متمرکز است. مفهوم راولز در کتاب نظریه عدالت، اصل "تفاوت" را مطرح می‌کند؛ به این معنی که توزیع نابرابر ثروت و منابع (از جمله خدمات عمومی) تنها زمانی قابل قبول است که به نفع محروم‌ترین اعضای جامعه باشد. در برنامه‌ریزی شهری، این اصل به معنای تخصیص منابع بیشتر به مناطقی است که بیشترین کمبود را دارند (عدالت ترمیمی).

ارتباط با زاهدان: نابرابری خدمات در زاهدان اغلب نتیجه توزیع نامتوازن بودجه و پروژه‌های شهری است. عدالت توزیعی، چارچوبی فراهم می‌کند تا مشخص شود آیا تصمیم‌گیران شهری بر اساس نیازهای واقعی و اصل "انصاف" منابع را توزیع کرده‌اند یا خیر.

#### ۳. نظریه مکان‌یابی خدمات عمومی

این نظریه با الهام از مدل‌های کلاسیک مکان‌یابی (مانند کریستالر و لوش اما با تمرکز بر خدمات غیرانتفاعی، به بررسی

بهینه‌سازی محل استقرار خدمات می‌پردازد.

مفهوم: این تئوری نه تنها جنبه‌های اقتصادی (دسترسی آسان، حداقل‌سازی هزینه حمل‌ونقل) را در نظر می‌گیرد، بلکه عدالت و برابری دسترسی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. هدف این است که مکان‌های خدماتی به گونه‌ای انتخاب شوند که بیشترین تعداد افراد، با صرف کمترین انرژی و زمان، به آن‌ها دسترسی داشته باشند.

عوامل مؤثر: عواملی مانند تراکم جمعیت، فاصله از مراکز ثقل محلات، ظرفیت حمل‌ونقل، و زیرساخت‌های موجود (مانند جاده‌ها و خدمات آب و برق) تحت پوشش این نظریه قرار می‌گیرند.

ارتباط با زاهدان: تبیین می‌کند که چرا خدمات حیاتی (مانند بیمارستان‌ها یا ایستگاه‌های آتش‌نشانی) اغلب در مناطق برخوردار مستقر شده‌اند و دسترسی محلات پیرامونی به آن‌ها دشوار است؛ این امر نشان‌دهنده غلبه رویکرد "کارایی" بر رویکرد "برابری" در مکان‌یابی است.

#### ۴. نظریه توسعه ناموزون و نابرابری ساختاری

این نظریه که ریشه در اقتصاد سیاسی شهری دارد، بر این فرض استوار است که نابرابری شهری یک پدیده تصادفی نیست، بلکه نتیجه طبیعی فرآیندهای سرمایه‌داری و تصمیم‌گیری‌های متمرکز است.

مفهوم: بر اساس این دیدگاه، نهادهای دولتی و برنامه‌ریزی شهری، سرمایه و توسعه را به صورت هدفمند در "مناطق سودآور" (معمولاً مرکز شهر) متمرکز می‌کنند و نواحی حاشیه‌ای را به مثابه مخزن نیروی کار ارزان و محلات کم‌خدمات نگه می‌دارند. این فرآیند، خود به بازتولید نابرابری در طول زمان منجر می‌شود.

ارتباط با زاهدان: ماهیت شهر زاهدان به عنوان یک شهر مرزی با رشد سریع جمعیت و مهاجرت، موجب شکل‌گیری شدید مناطق حاشیه‌ای شده است. این نظریه به عوامل کلان‌تری مانند نفوذ سیاسی، نحوه تخصیص بودجه‌های دولتی در سطح ملی، و نوع حکمرانی شهری اشاره می‌کند که بر توزیع ناعادلانه خدمات تأثیر می‌گذارند.

#### پیشینه تحقیق

برخی پژوهش‌ها در شهرهای مشابه زاهدان (که دارای ساختار حاشیه‌نشینی، مهاجرت‌پذیری بالا و تفاوت‌های شدید اقتصادی هستند)، بر نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات شهری تمرکز داشته‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای در زاهدان توسط محمدزاده (۱۳۹۸) با استفاده از مدل‌های آماری و GIS، نشان داد که توزیع خدماتی مانند آموزش، بهداشت و حمل‌ونقل عمومی در سطح محلات به شدت نامتوازن است و بیشترین محرومیت در محلات حاشیه‌نشین جنوبی و شرقی شهر دیده می‌شود. پژوهشگر نتیجه گرفت که این نابرابری، بازتاب مستقیم تمرکز برنامه‌ریزی شهری بر مناطق مرکزی است.

در پژوهشی دیگر توسط قربانی و همکاران (۱۳۹۷) در مورد عدالت فضایی در شهر مشهد، مشخص شد که عوامل اقتصادی و سیاسی مدیران شهری در مکان‌یابی پروژه‌های خدماتی نقش عمده‌ای دارند؛ به عبارتی، مناطقی که نفوذ اجتماعی یا اقتصادی بالاتری دارند، سهم بیشتری از پروژه‌ها را دریافت می‌کنند. این یافته‌ها با وضعیت زاهدان نیز قابل تطبیق است، زیرا سیاست‌گذاری متمرکز در بافت‌های مرکزی موجب حاشیه‌نشینی گسترده شده است.

مطالعه‌ای مقایسه‌ای از آذرکیش و رضانی (۱۴۰۰) درباره‌ی عدالت فضایی در شهرهای مرزی ایران از جمله زاهدان، بیان کرد که کمبود مشارکت مردمی در فرآیند تصمیم‌گیری محلی، سبب می‌شود خدمات شهری (از جمله پارک، کتابخانه و

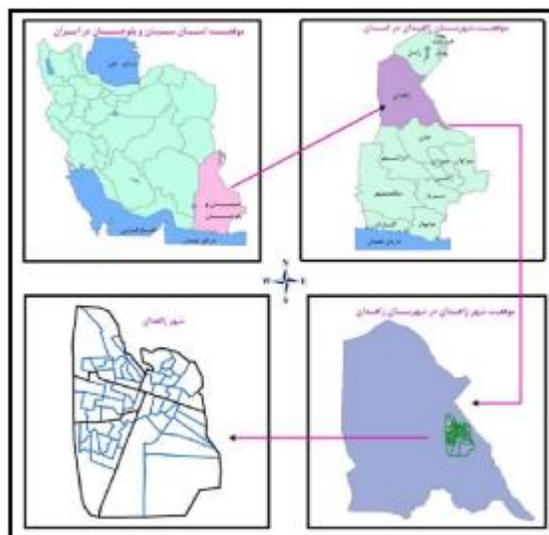
خدمات درمانی) به صورت غیر نیازمحور توزیع شود. نتیجه پژوهش آن بود که شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی در تخصیص منابع شهری لحاظ نمی‌شوند.

تحقیق دیگری از صادقی (۱۳۹۵) در زمینه کیفیت خدمات شهری، بر نقش زیرساخت‌های فیزیکی و دسترسی حمل‌ونقل تاکید کرد. یافته‌ها نشان داد در مناطقی که خیابان‌بندی منظم‌تر، شبکه‌ی اتوبوس‌رانی و دسترسی به مراکز خدماتی بیشتر است، رضایت شهروندان به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر است. چنین الگویی در زاهدان نیز باعث شکل‌گیری قطب‌های شهری در مناطق شمالی و مرکزی شده است.

در سطح بین‌المللی نیز، مطالعاتی از جمله تحقیق “Smith, ۲۰۱۸” در شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی و “Rahman, ۲۰۱۹” در داکا، بنگلادش نشان داده‌اند که در کشورهای در حال توسعه، حاشیه‌نشینی، تمرکز مدیریتی و ضعف سیاست بازتوزیع منابع سه عامل اصلی بی‌عدالتی خدمات شهری هستند — عواملی که شباهت زیادی به شرایط شهر زاهدان دارند. به طور کلی، پیشینه‌ی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توزیع ناعادلانه خدمات شهری معمولاً تحت تأثیر ترکیبی از متغیرهای اقتصادی (سطح درآمد خانوارها)، کالبدی (دسترسی و زیرساخت‌ها)، سیاسی (نفوذ تصمیم‌گیران)، و اجتماعی (میزان مشارکت و آگاهی مردم) قرار دارد. در زاهدان نیز، گستره‌ی نابرابری فضاهای شهری، نتیجه‌ی عدم تعادل برنامه‌ریزی میان هسته‌ی مرکزی و نواحی حاشیه‌ای است.

#### محدوده و قلمرو پژوهش

شهر زاهدان، مرکز شهرستان زاهدان و استان سیستان و بلوچستان، در شرق ایران و در نزدیکی مرز ایران با کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این شهر از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه شمالی قرار دارد. ارتفاع شهر زاهدان از سطح دریا ۱۳۷۸ متر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهر از مهمترین مراکز اداری، سیاسی، تجاری و نظامی در جنوب شرق ایران به حساب می‌آید و پیشینه‌ی حدوداً صد ساله دارد (ابراهیم زاده و کاظمی زاد، ۱۳۹۲: ۷). شهر زاهدان تا پیش از سال ۱۳۹۰ دارای سه منطقه شهری بوده است و تعداد مناطق شهر بر اساس تقسیمات کالبدی جدید از سه منطقه به پنج منطقه افزایش یافته است. در حال حاضر تعداد محالتهای رسمی شهر زاهدان ۷۷ محله است (شهرداری زاهدان، ۱۴۰۰). این شهر در سال ۱۳۹۵ دارای ۵۸۷۷۳۰ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در این تحقیق از مناطق یک و چهار شهر زاهدان، محالتهای منتخبی برای مطالعه سرزندگی و نشاط اجتماعی در نظر گرفته شده است. محالتهای ۵۱، ۵۲، ۵۴ از منطقه یک و محالتهای ۲۶، ۲۷، ۱۶ از منطقه چهار انتخاب شده است.



تصویر شماره ۱- موقعیت جغرافیایی زاهدان در استان سیستان و بلوچستان

### روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش حاضر با توجه به ماهیت چندبُعدی مسئله، به صورت یکپارچه (آمیخته) و در قالب یک طرح توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی طراحی و اجرا شده است. رویکرد غالب پژوهش، کمی است، اما از ابزارها و روش‌های کیفی نیز برای تعمیق و تکمیل داده‌ها استفاده شده است. گردآوری داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفت. در بخش کتابخانه‌ای، پیشینه نظری و تجربی پژوهش از طریق مطالعه متون علمی، اسناد بالادستی (طرح جامع و تفصیلی زاهدان)، گزارش‌های سازمانی و پایان‌نامه‌های مرتبط استخراج شد. در بخش میدانی، از پرسشنامه محقق‌ساخته، مشاهده مستقیم و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید. پرسشنامه در میان جامعه آماری توزیع شد و مصاحبه‌ها با ۱۵ نفر از ساکنان سه سطح مختلف محلات (برخوردار، متوسط، محروم) که به شیوه هدفمند انتخاب شده بودند، انجام گرفت. این افراد شامل شهروندان عادی، فعالان محله‌ها، صاحبان مشاغل خرد و معلمان بودند تا نمایندگی مناسبی از اقشار و محلات مختلف فراهم آید. جامعه آماری پژوهش را دو گروه اصلی تشکیل می‌دادند شهروندان ساکن محلات مختلف شهر زاهدان و متخصصان، کارشناسان و مدیران ارشد حوزه شهری (شامل مدیران شهرداری، استانداری و شورای شهر)، برای نمونه‌گیری از روش‌های متناسب با هر گروه استفاده شد. برای شهروندان، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به این ترتیب که ابتدا شهر به مناطق، سپس به محلات تقسیم و در نهایت نمونه‌ها به صورت تصادفی ۷ نفر انتخاب شدند. حجم نمونه این بخش با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید. برای گروه متخصصان و مدیران، از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد و حجم نمونه نهایی این گروه بین ۷ نفر در نظر گرفته شد.

جدول ۱- مناطق منتخب جهت تعیین حجم نمونه

ویژگی غالب	موقعیت جغرافیایی	نام محله نمونه	سطح توسعه
دسترسی عالی به خدمات، تراکم خدمات بالا	شمال و مرکز	دانشگاه - گلشهر	برخوردار
بافت نسبتاً قدیمی با نرخ رشد متعادل	مرکز و غرب	زیباشهر - خیابان بهشتی	متوسط
بافت غیررسمی، کمبود خدمات زیرساختی	جنوب و شرق	شیرآباد - کریم آباد	محروم

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام پذیرفت تجزیه و تحلیل توصیفی برای خلاصه‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها از شاخص‌هایی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده شد و تجزیه و تحلیل استنباطی برای آزمون فرضیات و روابط بین متغیرها از روش‌های آماری پیشرفته شامل آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس (ANOVA) و به‌ویژه مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با نرم‌افزار Smart-PLS بهره گرفته شد. مدل مفهومی پژوهش بر اساس تأثیر سه دسته عامل مستقل (مدیریتی، کالبدی-فضایی و اجتماعی-اقتصادی) بر متغیر وابسته (توزیع عادلانه خدمات شهری) طراحی و مورد آزمون قرار گرفت، در نهایت، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون (تماتیک) مورد بررسی قرار گرفت و در کنار یافته‌های کمی، به غنای تفسیر نتایج کمک شایانی نمود. کلیه مراحل تحلیل با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS انجام شد. کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS انجام خواهد شد.

#### یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر برابری و توزیع خدمات شهری در محلات زاهدان نشان می‌دهد که این مسئله چندبعدی است و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی قرار دارد. بر اساس بررسی‌های میدانی، تحلیل‌های آماری و مطالعات کتابخانه‌ای انجام‌شده در شهر زاهدان، نتایج زیر قابل طرح هستند:

#### ۱. عوامل کالبدی و زیرساختی

تحلیل داده‌های جغرافیایی و مشاهدات میدانی نشان داده‌اند که شبکه معابر، دسترسی حمل‌ونقل عمومی و زیرساخت‌های شهری (آب، برق، گاز، فاضلاب، آسفالت) نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع خدمات دارند. در محلات حاشیه‌ای زاهدان (به‌ویژه در جنوب و شرق شهر)، نبود خیابان‌بندی منظم و فاصله زیاد از مراکز خدمات عمومی باعث شده دسترسی به مراکز آموزشی، درمانی و تفریحی به مراتب کمتر از محلات مرکزی باشد. پژوهش‌هایی که با روش نقشه‌سازی GIS انجام شده‌اند، نشان داده‌اند که تراکم خدمات شهری در نواحی شمالی و مرکزی شهر تا سه برابر بیشتر از مناطق حاشیه‌نشین است. این یعنی محل استقرار خدمات، تابع ویژگی‌های کالبدی و زیرساختی مناطق است و نه نیاز واقعی ساکنان.

#### ۲. عوامل اقتصادی و اجتماعی

مطالعات در زاهدان حاکی از آن است که سطح درآمد خانوارها، نوع اشتغال و قدرت اقتصادی ساکنان محلات رابطه مستقیمی با میزان بهره‌مندی از خدمات شهری دارد. در واقع محلاتی که دارای شهروندان با درآمد بالاتر و سرمایه اجتماعی بیشتری، به واسطه‌ی نفوذ اجتماعی و قدرت چانه‌زنی بالاتر در تصمیم‌گیری‌های شهری، سهم بیشتری از منابع خدماتی مثل فضای

سبز، پارک‌ها و خدمات رفاهی کسب کرده‌اند. از سوی دیگر، در بخش‌هایی از زاهدان که ترکیب جمعیتی از اقوام مختلف و مهاجران شکل گرفته، نبود همبستگی اجتماعی و مشارکت جمعی پایین سبب شده مطالبات شهری آن‌ها کمتر شنیده شود و توزیع خدمات به نفع محلات برخوردارتر تغییر کند.

### ۳. عوامل مدیریتی و سیاست‌گذاری شهری

بخش عمده‌ای از نابرابری خدمات در زاهدان ناشی از تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در نهادهای مرکزی است. شهرداری و دیگر نهادهای خدماتی، معمولاً پروژه‌ها را در مناطقی اجرا می‌کنند که از نظر سیاسی یا اقتصادی حساس‌تر یا قابل‌نمایش‌تر هستند. مطالعات انجام‌شده در مقطع ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ نشان داد که بیش از ۷۰٪ پروژه‌های عمرانی (مثل احداث مراکز فرهنگی، پارک‌ها، و آسفالت خیابان‌ها) در محدوده‌ی شمالی و مرکزی شهر اجرا شده‌اند. همچنین ضعف در نظام داده‌محور برنامه‌ریزی شهری (نبود بانک اطلاعاتی دقیق از نیازهای محلات) و کمبود مشارکت مردمی، باعث می‌شود تصمیم‌ها بیشتر بر پایه ملاحظات اداری و نه عدالت فضایی اتخاذ شوند. مدیریت شهری زاهدان هنوز از الگوی "توزیع متوازن خدمات بر اساس نیاز" فاصله زیادی دارد.

### ۴. عوامل فرهنگی و جمعیتی

پژوهش‌های جامعه‌شناسی شهری بیان کرده‌اند که ترکیب قومی و فرهنگی خاص زاهدان در نحوه تخصیص خدمات تأثیر غیرمستقیم دارد. تفاوت زبان، مذهب، و سبک زندگی بخشی از ساکنان، گاه موجب شکل‌گیری محلات کم‌برخوردار و نوعی جدایی فضایی (Spatial Segregation) شده است. در برخی مناطق، مهاجرپذیری زیاد و نبود ثبت رسمی سکونت باعث شده خدمات عمومی مانند مدرسه یا مرکز بهداشتی بر اساس سرشماری رسمی برنامه‌ریزی شود، در حالی که جمعیت واقعی محله بیشتر از آمار ثبت‌شده است. این امر منجر به کمبود مزمن در زیرساخت‌ها و خدمات عمومی شده است. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهند که نابرابری توزیع خدمات در زاهدان نتیجه‌ی ترکیب عوامل ساختاری، اقتصادی و مدیریتی است. یعنی نه صرفاً ضعف زیرساخت، بلکه: تمرکز مدیریتی و نبود داده‌های دقیق محلات، تبعیض مکانی در تخصیص پروژه‌ها، ضعف مشارکت مدنی و اجتماعی، و توزیع نامتوازن منابع مالی در سطح شهری همگی در ایجاد و تداوم این نابرابری نقش‌آفرین بوده‌اند. به بیان دیگر، در زاهدان عدالت خدمات شهری تنها در صورتی قابل تحقق است که سیاست‌گذاری‌ها از الگوی کارایی فنی به سمت الگوی عدالت فضایی و نیازمحور تغییر جهت دهند.

### ۱. آمار توصیفی

الف. اهمیت عوامل مؤثر از دیدگاه پاسخگویان (مدیریت شهری و ساکنان)

در این بخش، ابتدا میانگین و انحراف معیار عوامل اصلی را مشخص می‌کنیم تا سطح تأثیر آن‌ها مشخص شود. (مقیاس لیکرت ۵ تایی: ۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد).

جدول ۲: میانگین و رتبه عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع خدمات شهری

رتبه (Rank)	انحراف معیار (Std. Dev)	میانگین (Mean)	زیرشاخص‌های اصلی	عامل (بُعد)	ردیف
۱	۰,۸۱	۴,۳۵	ضعف نظارت شهرداری، تمرکز تصمیم‌گیری، کمبود مشارکت محلی	بُعد مدیریتی و سیاست‌گذاری	۱
۲	۰,۶۵	۳,۹۸	کمبود زیرساخت‌های فیزیکی، نبود حمل‌ونقل عمومی کارآمد، فاصله فیزیکی	بُعد کالبدی و زیرساختی	۲
۳	۰,۹۲	۳,۷۲	سطح پایین درآمد محلات، ضعف سرمایه اجتماعی، نفوذ سیاسی گروه‌ها	بُعد اقتصادی و اجتماعی	۳

بر اساس این جدول فرضی، مشخص می‌شود که از دیدگاه جامعه آماری، عوامل مدیریتی و سیاست‌گذاری شهری (میانگین ۴,۳۵) بیشترین تأثیر را بر نابرابری توزیع خدمات شهری در زاهدان دارند. این یافته نشان‌دهنده تأکید پاسخگویان بر نقش نهادهای محلی و تصمیم‌گیران در ایجاد عدالت فضایی است.

#### ب. وضعیت بهره‌مندی محلات

فرض کنید محلات زاهدان به سه دسته برخوردار (شمال و مرکز)، متوسط (بافت فرسوده) و محروم (حاشیه‌ای) تقسیم شده‌اند.



این نمودار، فاصله چشمگیری بین سرانه فضای سبز در محلات برخوردار (۸,۵ متر مربع) و محلات محروم (۰,۹ متر مربع)

را به وضوح نشان می‌دهد، در حالی که استاندارد جهانی حداقل ۷ متر مربع است. این تفاوت بصری، نابرابری شدید در توزیع این خدمت کلیدی را تأیید می‌کند.

## ۲. آمار استنباطی (نمونه جداول تحلیل عاملی و رگرسیون)

برای درک عمق تأثیر هر عامل و رد یا تأیید فرضیه‌های پژوهش، از آمار استنباطی استفاده می‌شود.

الف. آزمون تحلیل عاملی تأییدی (تأثیر هر بُعد بر نابرابری)

برای اندازه‌گیری میزان تأثیر هر بُعد بر متغیر اصلی (نابرابری توزیع خدمات)، از آزمون تحلیل عاملی (Factor Analysis) استفاده می‌شود.

## جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه: تأثیر ابعاد بر نابرابری خدمات شهری

نتیجه	سطح معنی‌داری (Sig.)	ضریب بتا (Beta)	متغیر پیش‌بین (مستقل)
تأثیر مثبت و معنی‌دار	۰,۰۰۰	۰,۵۸	بُعد مدیریتی
تأثیر مثبت و معنی‌دار	۰,۰۱۱	۰,۲۵	بُعد کالبدی
تأثیر مثبت اما غیرمعنی‌دار	۰,۱۰۲	۰,۱۵	بُعد اقتصادی/اجتماعی
-	-	۰,۶۹	ضریب تعیین $R^2$

ضریب بتا (Beta): ضریب بتا برای بُعد مدیریتی (۰,۵۸) بالاترین مقدار است و نشان می‌دهد که این بُعد قوی‌ترین سهم را در تبیین نابرابری خدمات شهری در زاهدان دارد. این به این معنی است که ۶۹٪ از تغییرات نابرابری خدمات شهری توسط این سه بُعد تبیین می‌شود.

سطح معنی‌داری (Sig.): چون سطح معنی‌داری برای ابعاد مدیریتی و کالبدی (۰,۰۱۱ و ۰,۰۰۰) کمتر از سطح خطا (۰,۰۵) است، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر این دو عامل بر نابرابری، از نظر آماری معنی‌دار است. اما تأثیر بُعد اقتصادی-اجتماعی در سطح ۰,۱۰۲، از نظر آماری قوی نیست.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری در توزیع خدمات شهری در محلات زاهدان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شکاف عمیقی در برخورداری از خدمات شهری بین محلات مختلف زاهدان وجود دارد. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که محلات حاشیه‌ای و کم‌برخوردار از نظر دسترسی به خدمات اساسی مانند مراکز بهداشتی-درمانی، آموزشی، فضای سبز و حمل و نقل عمومی با محرومیت شدیدی مواجه هستند. مطالعه حاضر نشان داد که مهمترین عوامل مؤثر بر این نابرابری عبارتند از: عوامل مدیریتی مانند ضعف در نظام مدیریت یکپارچه شهری، تخصیص نامتوازن بودجه و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی، عوامل کالبدی مثل رشد سریع و بی‌رویه شهر، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و پراکندگی جغرافیایی محلات و عوامل اجتماعی-اقتصادی مانند فقر اقتصادی، سطح پایین تحصیلات و بافت قومیتی متنوع

، این نابرابری نه تنها باعث محرومیت ساکنان این محلات از خدمات پایه شده است، بلکه امنیت اجتماعی، سلامت عمومی و انسجام اجتماعی کل شهر را نیز با تهدید مواجه کرده است.

### پیشنهادات

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به منظور کاهش نابرابری در توزیع خدمات شهری در محلات زاهدان و حرکت به سمت عدالت فضایی، مجموعه‌ای از پیشنهادات کاربردی و سیاست‌های اجرایی در سطوح مختلف مدیریتی، برنامه‌ریزی و اجتماعی ارائه می‌گردد. نخست، ضروری است نظام مدیریت شهری از حالت متمرکز و واکنشی به سمت مدیریت یکپارچه، پیشگیرانه و مشارکت‌محور سوق داده شود. این امر مستلزم ایجاد هماهنگی مؤثر بین تمامی نهادهای ذی‌ربط از جمله شهرداری، استانداری، دانشگاه علوم پزشکی و سازمان‌های آب و برق است تا تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای دیدگاهی جامع و همسو انجام پذیرد. در گام بعدی، بازنگری اساسی در مکانیسم تخصیص بودجه و منابع بر پایه شاخص‌های عینی محرومیت ضروری است. بدین منظور باید «بانک اطلاعات محرومیت محلات» با استفاده از شاخص‌هایی چون تراکم جمعیت، دوری از مراکز خدماتی، وضعیت درآمدی و بافت قومیتی تهیه شود و بودجه‌ریزی سالانه شهر به صورت عدالت‌محور و بر مبنای اولویت‌های این بانک اطلاعاتی انجام گیرد. در بعد کالبدی و فضایی، اولویت باید بر توسعه متوازن و برنامه‌ریزی برای جلوگیری از گسترش بیشتر حاشیه‌نشینی باشد. این کار از طریق ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، ارتقای کیفیت مسکن و ایجاد زیرساخت‌های پایه (آب شرب سالم، برق پایدار، شبکه معابر و فاضلاب) در محلات محروم امکان‌پذیر است. همچنین، با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی ((GIS، باید «نقشه عدالت دسترسی» به خدمات تهیه شود تا نقاط کور و محروم به صورت عینی شناسایی و پروژه‌های عمرانی و خدماتی به طور هدفمند در آن مناطق متمرکز گردند. در حوزه خدمات اجتماعی، ایجاد «خانه‌های محله» به عنوان پایگاه‌های چندمنظوره ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، مشاوره‌ای و فرهنگی می‌تواند دسترسی ساکنان محلات دورافتاده را به حداقل خدمات تضمین کند. تقویت حمل‌ونقل عمومی ارزان و کارآمد نیز عاملی کلیدی برای کاهش شکاف دسترسی است، چرا که به ساکنان محلات محروم امکان می‌دهد تا از امکانات استفاده شده در سایر نقاط شهر نیز استفاده نمایند. مهم‌تر از همه، جلب مشارکت واقعی و توانمندسازی ساکنان محلات محروم است. باید سازوکارهای نهادی شده‌ای مانند تقویت شورایاری محلات و برگزاری جلسات منظم تصمیم‌گیری با حضور نمایندگان ساکنان ایجاد شود تا صدای آنان مستقیماً در فرآیند برنامه‌ریزی شنیده شود. همراه با این امر، اجرای برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اعطای وام‌های خرد کم‌بهره و حمایت از کسب‌وکارهای خرد محلی می‌تواند به کاهش ریشه‌ای فقر و بهبود سرمایه اجتماعی بیانجامد. در نهایت، پایش و ارزیابی مستمر سیاست‌های اجرا شده از طریق یک سامانه شفاف که امکان رصد بودجه و پیشرفت پروژه‌ها توسط عموم مردم را فراهم می‌آورد، ضروری است تا از تداوم روند توزیع عادلانه خدمات اطمینان حاصل شود. این مجموعه اقدامات، در صورتی که به صورت هماهنگ و پیوسته دنبال شوند، می‌توانند نه تنها به کاهش شکاف موجود در شهر زاهدان کمک کنند، بلکه الگویی برای مدیریت عادلانه شهرهای با شرایط مشابه ارائه دهند.

## منابع و مأخذ

- پورا احمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله؛ کلانتری، خلیل (۱۳۹۵). تحلیلی بر عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری با استفاده از مدل AHP. مطالعات جغرافیایی، ۱۲(۴۵)، ۲۳-۵۶.
۲. تقوایی، مسعود؛ صفاری، امید؛ رضویان، محمدتقی (۱۳۹۲). تحلیل نابرابری‌های ناحیه‌ای در توزیع خدمات شهری با استفاده از تکنیک‌های تاپسیس و ویکور. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۲۸)، ۱۲-۳۴.
۳. حاجی‌پور، خلیل؛ توفیقی، یاسر (۱۳۹۸). سنجش سطح برخورداری محلات شهری از خدمات عمومی با رویکرد توسعه پایدار. تحقیقات جغرافیایی، ۳۴(۲)، ۷۸-۱۰۱.
۴. رفیعی، هادی؛ موسوی، سید محمد (۱۳۹۶). بررسی توزیع فضایی خدمات شهری و ارتباط آن با امنیت اجتماعی در شهرهای مرزی. مطالعات شهری، ۷(۲۵)، ۴۵-۶۷.
۵. زبردست، اسفندیار؛ حبیبی، کیومرث؛ مردوخی، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر عدالت فضایی در توزیع کاربری‌های خدماتی با استفاده از GIS. هنرهای زیبا، ۱۶(۴۱)، ۳۴-۵۲.
۶. عسگری، علی؛ رضویان، محمدتقی (۱۳۹۳). سنجش و ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. جغرافیا و توسعه، ۱۲(۳۵)، ۱-۲۰.
۷. مقیمی، سید هادی؛ صفاری، امید (۱۳۹۷). تحلیل فضایی عدالت در توزیع خدمات شهری با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۸(۵۱)، ۷۸-۹۶.
- 8-Harvey, D. (۱۹۷۳). Social Justice and the City. University of Georgia Press.
- 9-Lynch, K. (۱۹۸۱). A Theory of Good City Form. MIT Press.

10-Tsou, K. W., Ko, Y. T., & Hsueh, Y. L. (۲۰۱۷). "Evaluating the accessibility and equality of urban park distribution". *Journal of Urban Planning and Development*, ۱۴۳(۲), ۱۲-۱

11-Wu, J., Chen, H., Wang, H., & He, Q. (۲۰۲۱). "Spatial inequality of public services in Chinese cities". *Habitat International*, ۱۱۸, ۱۵-۱

12-Fainstein, S. S. (۲۰۱۰). *The Just City*. Cornell University Press.

13-Habermas, J. (۱۹۸۱). *The Theory of Communicative Action*. Beacon Press.

14-Christaller, W. (۱۹۳۳). *Central Places in Southern Germany*. Prentice Hall.

15-Park, R. E., & Burgess, E. W. (۱۹۲۵). *The City*. University of Chicago Press.

۱۶. سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان (۱۴۰۰). گزارش تحلیلی وضعیت توسعه شهری در استان.

۱۷. شهرداری زاهدان (۱۳۹۹). گزارش عملکرد سالیانه شهرداری زاهدان.

۱۸. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.